

«صلاحیت» هم در حقوق بین‌الملل و هم در حقوق داخلی کاربردهای فراوانی دارد. در حقوق بین‌الملل گفته شده است که «صلاحیت» نتیجه‌ای است که از حاکمیت سرزمینی عاید می‌شود و منظور از حاکمیت سرزمینی حقی است که به موجب آن یک دولت رسالت دولت بودن خویش را اعمال می‌کند و می‌تواند سایر کشورها را از دخالت در امور خود باز دارد که این حق حاکمیت سراسر وسعت خاک، زیر بستر خاک، آب‌های موجود در زیر بستر خاک و ... را فرا می‌گیرد.

بنابراین صلاحیت یک دولت به توانایی آن بر حکومت بر اشخاص و اموال به موجب نظام داخلی بر می‌گردد.^۱ این اهلیت شامل تصویب قانون، صدور حکم و اجرای آن است. صلاحیت اساساً در محدوده سرزمینی معین اعمال می‌شود، اما این اصل دارای استثنائاتی است که در موارد اعمال صلاحیت یا عدول از آن به موجب احکام ناشی از نظام حقوق داخلی معین می‌شود. صلاحیت در حقوق داخلی و از نظر آیین دادرسی کیفری نیز عبارت است از «شایستگی و توانایی قانونی و نیز تکلیف مرجع قضایی به رسیدگی به یک دعوی کیفری^۲» و از نظر حقوق جزای بین‌الملل صلاحیت عبارت است از «شایستگی و قابلیت اعمال قوانین کیفری یک کشور در رسیدگی به جرایمی که در داخل یا خارج از کشور ارتکاب می‌یابد.»^۳

کشور ایران در رابطه با رسیدگی به جرایم تروریستی علاوه بر انواع صلاحیت‌های مصرح در قوانین داخلی، از قواعد چند کنوانسیون مرتبط با تروریسم که به آنها ملحق گردیده است نیز استفاده می‌نماید. بند ۳ ماده ۳ قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما، مصوب ۱۳۵۵، مقرر کرد که این کنوانسیون به هیچ‌یک از صلاحیت‌های جزایی که به موجب قوانین داخلی اعمال می‌گردد، خللی وارد نمی‌آورد.^۴ لذا تمامی انواع صلاحیت‌های دولت ایران در مورد مبارزه مبارزه با تروریسم قابل اعمال می‌باشد. در یک تقسیم‌بندی صلاحیت به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از صلاحیت تقنینی، قضایی و اجرایی. صلاحیت تقنینی

۱. والاس، ربه‌کا، حقوق بین‌الملل، ترجمه محمد شریف، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸، ص. ۱۸۰.

۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۲، ص. ۸۰.

۳. پوربافرانی، حسن، صلاحیت اعمال قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت در حقوق ایران، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸، ص. ۷۸.

۴. قانون مربوط به کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی من جمله دیپلمات‌ها مصوب ۱۳۵۷ در بند ۲ ماده ۳ خود مقرر می‌دارد: «کنوانسیون حاضر به صلاحیت جزایی که به موجب قانون داخلی اعمال می‌گردد، خدشه‌ای وارد نمی‌سازد.»

یعنی توانایی و شایستگی وضع قانون در امور مربوط به اشخاص، اموال و سایر زمینه‌ها. صلاحیت قضایی اختیار و شایستگی محاکم یک کشور در رسیدگی به دعاوی اعم از کیفری و حقوقی و غیره طبق قانون می‌باشد؛ و صلاحیت اجرایی یعنی توانایی اجرای تصمیمات توسط مقامات اجرایی از قبیل استرداد مجرمان، توقیف اموال و بنابراین صلاحیت تقنینی قلمرو اجرایی قانون جزا را در مکان تعیین می‌کند و بحث اصلی تعارض قوانین کیفری در مکان را از لحاظ محل ارتکاب جرم، تابعیت مجرم یا مجنی‌علیه را تشکیل می‌دهد. در حالی که صلاحیت قضایی، قاضی صالح برای رسیدگی به جرم را مشخص می‌سازد. صلاحیت قضایی از صلاحیت تقنینی تبعیت می‌نماید؛ یعنی زمانی که کشوری صلاحیت تقنینی در مورد جرایم ارتكابی در داخل و خارج از کشور داشته باشد، دادگاه‌های آن کشور هم واجد صلاحیت برای رسیدگی به آن جرم خواهند بود. صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی، واقعی و جهانی ایران در رابطه با جرایم تروریستی در ادامه این نوشتار مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱. اصل صلاحیت سرزمینی

اصل صلاحیت سرزمینی یکی از مهم‌ترین اصول صلاحیت قوانین کیفری است. به موجب این اصل جرایمی که توسط اشخاص در محدوده مرزهای سرزمین یک کشور اتفاق می‌افتد، اگر چه حضور افراد در آن سرزمین موقتی باشد، تابع قوانین و مقررات حاکم بر آن سرزمین می‌باشد. این اصل به‌طور کامل از سوی جامعه جهانی پذیرفته شده است.^۱ به عبارتی کلیه جرایم ارتكابی در داخل قلمرو حاکمیت تابع قوانین جزایی همان کشور خواهد بود، اعم از اینکه مرتکب از اتباع آن کشور یا بیگانه باشد. طبق همین اصل که بنیادی‌ترین شکل صلاحیت و نشان‌دهنده حاکمیت دولت است، رسیدگی به تمامی اقدامات تروریستی که در ایران اتفاق می‌افتد در صلاحیت محاکم ایران است. در صورت وقوع جرایم تروریستی، توسل به اصل صلاحیت سرزمینی موجب می‌شود که امر تعقیب و تحقیق و محاکمه مجرم و نیز دسترسی به ادله راجع به جرایم مزبور در این کشور به سهولت انجام پذیرد. از آنجا که با ارتکاب جرایم مزبور نظم عمومی جامعه مورد تعرض قرار می‌گیرد، مجازات عاملان آن می‌تواند مؤید اعاده نظم و تنبیه مرتکبان باشد.

1. Bassiouni, Cherif, International Extradition and World Public Order, Sijthoff-Ocean, 1974, p. 204.

سئوالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا برای اعمال اصل صلاحیت سرزمینی باید تمامی یا قسمتی از جرم در ایران ارتکاب یابد یا فقط با حصول نتیجه مجرمانه در سرزمین ایران می‌توانیم این اصل را اعمال نماییم. در این باره نظرات مختلفی ارائه شده است. از جمله نظریه «اصل صلاحیت سرزمینی ذهنی» که به موجب این اصل، دولتی که عمل مجرمانه در آن شروع شده است صالح به رسیدگی می‌باشد؛ و نظریه «اصل صلاحیت سرزمینی عینی» که طبق آن دولتی که عمل مجرمانه در آنجا کامل شده و به نتیجه رسیده است، صالح به رسیدگی می‌باشد. لازم به ذکر است که از اصل اول تحت عنوان نظریه عناصر متشکله و از دومی تحت عنوان نظریه آثار نیز یاد می‌کنند.^۱ در نهایت نظریه مختلط که به موجب آن صرف نظر از اینکه عمل و نتیجه در کدام کشور رخ داده است، کشوری که مجرم را در اختیار دارد به جرم او رسیدگی می‌کند.^۲ ماده ۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این زمینه مقرر می‌دارد:

«هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است.»

با این وجود اگر قسمتی از جرایم تروریستی در ایران اتفاق افتد و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود، دولت ایران صالح به رسیدگی به این جرایم و محاکمه و مجازات مرتکبان آن خواهد بود. همچنین در مواقعی که قسمتی از جرم تروریستی در داخل یا خارج ایران به وقوع بپیوندد و نتیجه آن در ایران حاصل شود، دولت ایران صالح به رسیدگی می‌باشد. لایحه قانونی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ایران در ماده ۳۹ صراحتاً مقرر می‌دارد اگر تمام یا بخشی از جرم تروریستی در ایران باشد، ایران صلاحیت رسیدگی به آن جرم را دارد.

برای اینکه بتوان محدوده اعمال قوانین کیفری را مشخص کرد، ابتدا لازم است محدوده قلمرو یک دولت را بدانیم. ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.» واضح است که طبق ماده ۳ مزبور تمامی اقدامات تروریستی در قلمروهای فوق تحت صلاحیت قوانین ایران می‌باشد، اعم از اینکه

۱. میرمحمدصادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل، مجموعه مقالات، نشر میزان، ۱۳۷۷، ص. ۲۴.
 ۲. جاویدزاده، علی‌اوسط، صلاحیت دادگاه کیفری در حقوق جزای بین‌المللی (بررسی تطبیقی در حقوق جزای ایران و فرانسه)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۶، ص. ۵۴.
 ۳. ماده ۹ مقرر می‌دارد: «در صورتی که تمام یا بخشی از جرم در قلمرو ایران، هواپیمای ثبت شده و کشتی‌های تحت پرچم آن به وقوع پیوسته باشد، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی دارند.»

مرتکبان این جرایم از اتباع ایران یا غیرایرانی باشند. ماده ۳ برای اعمال قوانین ایران نسبت به جرایم تروریستی در قلمرو ایران کافی می‌باشد و افزون بر آن صلاحیت سرزمینی مورد توجه و تأکید برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز واقع شده است.

اعمال قوانین کیفری ایران در مورد جرایم تروریستی در قلمرو حاکمیت زمینی چندان مشکل به نظر نمی‌رسد. اما اعمال قوانین کیفری در مورد جرایم تروریستی در موقعی که قلمرو دریایی و هوایی کشور مورد تعرض قرار گیرد تا حدی باب تفسیر را مفتوح نگه داشته است. در این مورد سؤال این است که قلمرو دریایی و هوایی ایران تا کجاست؟ قلمرو دریایی شامل آب‌ها، بستر دریاها، زیر بستر دریاها و فضای مافوق آنها است. قلمرو دریایی علاوه بر آب‌های داخلی شامل آب‌های ساحلی (دریای ساحلی) هم می‌شود که دریای سرزمینی عبارت است از قسمتی از دریا که بین ساحل یک کشور و دریای آزاد قرار گرفته است و تحت حاکمیت دولت ساحلی می‌باشد و حاکمیت دولت ساحلی علاوه بر خود دریای ساحلی بر فضای بالای دریای سرزمینی و نیز بر بستر آن نیز جاری می‌شود.^۱ طبق قانون تعیین حدود آب‌های ساحلی و منطقه‌ای نظارت دولت در دریاها مصوب ۱۳۱۳ و اصلاحیه بعدی آن مصوب ۱۳۳۸، در مواد ۱ و ۲ آن حق حاکمیت ایران بر دریای ساحلی و فضای فوق آن و کف و زیر کف دریای ساحلی شناخته شده است و کلیه جرایم ارتكابی در صلاحیت و تابع قانون ایران است. ارتكاب جرایم تروریستی در قلمرو دریای سرزمینی ایران، این جرم را تحت شمول قوانین کیفری ایران قرار خواهد داد و محاکم کیفری ایران صالح به رسیدگی می‌باشند.

کشتی‌های هر کشوری را می‌توان جزء قلمرو آن کشور به شمار آورد؛ بنابراین اگر جرمی در کشتی‌های یک کشور واقع شود، اصولاً باید آن جرم را در قلمرو آن کشور به حساب آورد.^۲ جرایم تروریستی در دریای سرزمینی ایران تابع قانون ایران می‌باشند؛ اعم از اینکه کشتی‌ها، تجاری یا جنگی باشد. از آنجا که این قبیل کشتی‌ها جزء خاک ایران محسوب می‌گردند و تابعیت ایران را دارا می‌باشند و پرچم این کشور را حمل می‌کنند، لذا قوانین کیفری ایران طبق اصل صلاحیت سرزمینی اعمال خواهد شد.^۳

مطابق ماده ۱۹ عهدنامه ۱۹۵۸ ژنو در زمینه دریای سرزمینی و منطقه نظارت و ماده ۲۷ معاهده ۱۹۸۲ حقوق دریاها، اصولاً دولت ساحلی از اعمال صلاحیت کیفری

۱. مواد ۱ و ۲ کنوانسیون ۱۹۸۳ راجع به دریای سرزمینی و منطقه مجاور.

۲. پوربا فرانی، حسن، پیشین، ص. ۲۴.

۳. محسنی، مرتضی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵، ص. ۳۹۴.

و مدنی بر کشتی‌های تجاری خارجی که از آب‌های سرزمینی‌شان عبور می‌کنند، خودداری می‌کنند؛ مگر در صورت وجود شرایط ذیل:

«الف- چنانچه نتایج جرم به کشور ساحلی سرایت کند؛

ب- چنانچه جرم از نوعی باشد که آرامش کشور ساحلی یا نظم دریای سرزمین را مختل سازد؛

ج- چنانچه ناخدای کشتی یا مأمور دیپلماتیک یا کارمند کنسولی کشور صاحب پرچم از مقامات محلی در خواست کمک و یاری کرده باشد؛

د- چنانچه این تدابیر به منظور جلوگیری از معامله غیرمجاز مواد مخدر و داروهای روان‌گردان لازم باشد».

هرچند دولت ایران صرفاً عهدنامه فوق را امضاء کرده ولی بدان ملحق نشده است و از این جهت برای ایران الزام‌آور نمی‌باشد، اما مقنن ایرانی مفاد این مواد را در ماده ۱۰ قانون مناطق دریای جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲، لحاظ کرده است. مطابق ماده ۱۰ این قانون، تعقیب، رسیدگی و مجازات جرایم ارتكابی در کشتی‌های در حال عبور از دریای سرزمینی در موارد زیر در صلاحیت مراجع قضایی ایران می‌باشد:

«الف- چنانچه اثرات و عواقب جرم متوجه جمهوری اسلامی ایران گردد؛

ب- چنانچه جرم ارتكابی محل صلح و نظم و آرامش داخلی و یا نظم عمومی دریای سرزمینی باشد؛

ج- چنانچه فرمانده کشتی یا نماینده دیپلماتیک یا کنسولی دولت صاحب پرچم کشتی، تقاضای کمک و رسیدگی نماید؛

د- چنانچه رسیدگی و تعقیب برای مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان ضروری باشد.»

حتی اگر قانون فوق‌الذکر وجود نداشت، باز هم می‌توانستیم طبق اصل صلاحیت سرزمینی، ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، صلاحیت قضایی مراجع کشور ایران را برای رسیدگی به جرایم ارتكابی در کشتی‌های تجاری اعمال نماییم. این امر مطابق با قطعنامه سال ۱۹۲۳ استکهلم نیز می‌باشد؛ لذا چنانچه جرایم تروریستی در این کشور و در این مناطق از ایران به وقوع بپیوندد، مراجع ایران صالحیت رسیدگی به جرایم تروریسمی را خواهند داشت.

قلمرو یک کشور نه تنها شامل سرزمین و آب‌های سرزمینی آن، بلکه شامل فضای آنها هم می‌شود. کنوانسیون پاریس مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۱۹ حاکمیت مطلق و

انحصاری دولت‌ها بر قلمرو هوایی مافوق سرزمین و آب‌های سرزمینی را مورد تأکید قرار داد. ماده ۳ قانون هواپیمایی کشوری در این زمینه مقرر کرده است:

«دولت حق حاکمیت مطلق و انحصاری در فضای بالای آب‌های ساحلی را دارا است.»

هواپیما را نیز می‌توان جزء قلمرو حاکمیت کشور محسوب کرد؛ لذا اگر جرمی در یک هواپیما واقع شود، اصولاً رسیدگی به آن در صلاحیت دولت متبوع آن هواپیما می‌باشد. ماده ۳۰ قانون فوق مقرر می‌دارد:

«... نسبت به جرایمی که داخل یک هواپیمای ایرانی در خارج از ایران ارتکاب شود ... مقررات ایران در مورد آن اجرا می‌شود.»

دولت‌ها دارای صلاحیت سرزمینی و همچنین صلاحیت شخصی بر هواپیماها هستند. اصل بر این است که صلاحیت شخصی دولت به هر شخص یا چیزی که تابعیت آن را دارد، برمی‌گردد. یک هواپیما تابعیت دولتی را دارد که در آنجا به ثبت رسیده است. جرایم تروریستی که در هواپیمای ثبت شده در ایران، اتفاق بیافتد در صلاحیت محاکم ایران است. اگر جرم در هواپیمایی واقع شود که آن هواپیما نزد آن دولت به ثبت رسیده باشد، قانون الحاق دولت ایران به قرارداد بین‌المللی جلوگیری از تصرف غیرقانونی هواپیما مصوب ۱۳۵۰ در بند ۱ ماده ۴ خود، قوانین کیفری ایران را صالح می‌داند. دولت متبوع حق دارد که صلاحیت کیفری و مدنی خود را بر اعمالی که در هواپیما رخ می‌دهد، اعمال نماید و این امر در صورتی است که هواپیما در قلمرو حاکمیت خود یا در فضاهایی مثل دریا‌های آزاد باشد که قلمرو حاکمیت هیچ کشوری نیست. بند ۱ ماده ۳ قانون الحاق ایران به کنوانسیون توکیو مصوب ۱۳۵۵ مقرر می‌دارد که دولت ثبت‌کننده هواپیما برای رسیدگی به جرایم و اعمال ارتكابی در هواپیما صالح می‌باشد. بند الف ماده ۴ قانون مزبور مقرر می‌دارد که دولت متعاهدی که ثبت‌کننده هواپیما نباشد، نمی‌تواند اعمال صلاحیت جزایی نماید مگر جرم در سرزمین آن دولت اثراتی ایجاد نماید. لذا ارتکاب جرایم تروریستی که در هواپیما به ثبت رسیده است در ایران یا در قلمرو هواپیمای ایران، در محاکم ایرانی با قوانین جزای ایران مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در صورت وقوع جرایم تروریستی در هواپیما و قلمرو هوایی کشور ایران محاکم این صلاحیت رسیدگی به جرایم موردنظر را دارند.

قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشور مصوب ۱۳۵۲، در بند ۱ ماده ۵ مقرر می‌دارد که اگر جرایم در سرزمین دولت ایران و یا هواپیمایی که در نظر ایران به ثبت رسیده است ارتکاب یابد،

در صلاحیت محاکم کیفری ایران می‌باشد. در مورد صلاحیت سرزمینی باید بپذیریم که ارتکاب جرایم تروریستی در قلمرو حاکمیت سرزمینی، دریایی و هوایی ایران طبق مواد فوق‌الذکر در صلاحیت محاکم کیفری ایران می‌باشد. در همین راستا قانون مربوط به کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی، از جمله دیپلمات‌ها در بند ۱ ماده ۳ مقرر می‌دارد:

«هر یک از کشورهای طرف کنوانسیون، اقدامات مقتضی برای اعمال صلاحیت خود در مورد جرایم مندرج در ماده ۲ در موارد ذیل معمول خواهد داشت:
الف- هنگامی که جرم در سرزمین آن کشور و یا در روی کشتی یا هواپیمای ثبت شده در قلمرو آن کشور واقع شود.»

این ماده صلاحیت سرزمینی، هوایی و دریایی را مورد توجه قرار داده است و جرایم تروریستی علاوه بر مواد فوق با توجه به این ماده نیز در صلاحیت محاکم کیفری ایران می‌باشد.

۲. اصل صلاحیت شخصی

اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی در پاره‌ای از موارد به‌تنهایی قادر به حل و فصل مسائل حقوق جزا نیست. به عبارتی، اصل فوق نمی‌تواند کلیه جرایم ارتكابی را مورد مجازات قرار دهد. به‌عنوان مثال اگر یکی از اتباع ایرانی در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب جرمی شود و قبل از تعقیب یا مجازات از کشور محل وقوع جرم فرار کرده و به کشور متبوع خود پناه ببرد، اصل سرزمینی بودن قادر به تعقیب و محاکمه نیست؛ زیرا جرم در داخل قلمرو حاکمیت کشور متبوع واقع نشده است. قانون‌گذار برای حل این مشکل اصل صلاحیت شخصی را به‌عنوان مکمل اصل صلاحیت سرزمینی مورد توجه قرار داد. اصل صلاحیت شخصی، صلاحیت قانون‌گذاری و به تبع آن صلاحیت قضایی نسبت به جرایم ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت توسط اتباع یا علیه اتباع می‌باشد. وقتی که صلاحیت براساس تابعیت مجرم اعمال می‌شود «اصل تابعیت فعال» و اعمال صلاحیت براساس تابعیت مجنی‌علیه «اصل تابعیت منفعل» نامیده می‌شود.

اصل تابعیت فعال یعنی دولت می‌تواند اتباع خود را به دلیل جرایمی که در خارج از کشور خود مرتکب شده‌اند، مورد محاکمه و مجازات قرار دهد. در جرایم تروریستی، وقتی مجرم ایرانی باشد، محاکم ایران صلاحیت رسیدگی و محاکمه خواهند داشت. همان‌گونه که رفتار پسندیده و عالی اتباع در خارج از کشور موجب سربلندی

کشور متبوع می‌شود، به همان ترتیب نیز ارتکاب جرایم تروریستی توسط اتباع در خارج از کشور موجب کسر حیثیت و اعتبار دولت متبوع خواهد شد. علاوه بر این عدالت اقتضا می‌کند که برای جلوگیری از بی‌مجازات ماندن فرد تروریست، او توسط کشور متبوعش محاکمه شود. قانون‌گذار ایران مواد ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را برای اعمال صلاحیت شخصی در نظر گرفته است و با همین دو ماده قانونی می‌توانیم تمامی تروریست‌هایی که از اتباع ایرانی محسوب می‌شوند را مورد محاکمه و مجازات قرار دهیم. برای محاکمه تروریست‌های ایرانی به دلیل ارتکاب جرایم تروریستی در دیگر نقاط جهان، باید برخی شرایط وجود داشته باشد؛ از آنجا که این صلاحیت یکی از راه‌های تکمیلی در جهت رفع نقص صلاحیت سرزمینی است، کشورهای مختلف اصل صلاحیت شخصی را به‌طور مطلق و بدون قید و شرط اعمال نمی‌کنند.

یکی از شرایط اعمال اصلی صلاحیت شخصی این است که جرم ارتكابی تبعه در خارج از کشور از «جرایم مهم» باشد. وقتی از همکاری بین‌المللی در مجازات مجرمان سخن به میان می‌آید، منظور مجازات اعمالی است که جلوگیری از ارتکاب آنها اهمیت داشته باشد. واضح است که جرایم تروریستی هم از نظر اسناد بین‌المللی و هم از نظر دولت‌ها به‌عنوان جرم مهم شناخته شده و برخورد ویژه با آن مدنظر قانون‌گذاران قرار گرفته است.

عموماً اعتقاد بر این است که کشورهای پیرو نظام حقوق موضوعه از اصل تابعیت به‌عنوان یکی از زیربناهای صلاحیت استقبال بسیار کردند، حال آنکه کشورهای پیرو نظام حقوق کامن‌لا اعمال صلاحیت براساس رابطه تابعیت را در جرایم شدیدتر اعمال می‌کنند. مثلاً در انگلستان در مواردی از قبیل جرایم ارتكابی راجع به مسائل امنیتی، قتل و ... به این اصل مراجعه می‌شود.^۲ به‌طور کلی کشورهای مختلف معمولاً جرایم جنایی و برخی از جرایم جنحه‌ای اتباع خود را در خارج از کشور قابل رسیدگی در محاکم کشور خود می‌دانند و آنها را جزء جرایم مهم قلمداد می‌نمایند.^۳

۱. ماده ۶ مقرر می‌دارد: «به جرایم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیرایرانی که در رابطه با شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده‌اند و به جرایم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران رسیدگی می‌شود.» ماده ۷ نیز مقرر می‌دارد: «علاوه بر موارد مذکور در موارد فوق هریک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود ... طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود ...»

۲. والاس، ربه‌کا، پیشین، ص. ۱۸۳.

۳. پوربافرانی، حسن، پیشین، ص. ۴۶.

یکی دیگر از شرایط اعمال صلاحیت شخصی در مورد عمل ارتكابی تبعه در خارج از قلمرو حاکمیت کشور این است که هم در کشور متبوع و هم در محل وقوع جرم، آن عمل مجرمانه و قابل مجازات باشد، زیرا تعقیب عملی که در محل وقوع فاقد جنبه کیفری است به دور از عدل و انصاف است. از آنجا که جرایم تروریستی در همه کشورها جرم‌انگاری شدند و همچنین طبق قطعنامه شماره ۱۳۷۳ همه کشورها را ملزم به جرم‌انگاری تروریسم کرد، شرط مجرمیت متقابل در زمینه تروریسم وجود خواهد داشت و کشور ایران در مورد محاکمه اتباع خویش در صورت ارتکاب جرایم تروریستی مشکل نخواهد داشت. اصل مجرمیت متقابل به‌عنوان یکی از اصول مسلم حقوق جزا مورد توجه حقوق‌دانان کیفری قرار گرفته است، زیرا اعمال این اصل با مبانی و اهداف اصل صلاحیت شخصی سازگاری دارد.

علاوه بر مواد ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی که صراحتاً بیان می‌دارد مجرم ایرانی در هر جای دنیا مرتکب جرم شود در صلاحیت محاکم ایران است، جرایم تروریستی که مرتکبان آن از اتباع ایرانی باشند را می‌توان با توجه به همین ماده مورد محاکمه قرار داد. قانون هواپیمایی کشوری در ماده ۳۱ خود با تأکید بر همین اصل مقرر می‌دارد: «به جنحه و جنایاتی که در هواپیمای خارجی حین پرواز ارتکاب شود، در صورت وجود یکی از شرایط ذیل محاکم ایران رسیدگی خواهد کرد: الف) ... ب) متهم تبعه ایرانی باشد.»

همچنین قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توكيو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما در ماده ۴ مقرر می‌دارد:

«دولت متعهده‌ی که دولت ثبت‌کننده هواپیما نباشد، نمی‌تواند به منظور اعمال صلاحیت جزایی خود در مورد جرم ارتكابی در داخل هواپیما در امر پرواز آن مداخله نماید، مگر در موارد مشروحه ذیل: الف) ... ب) جرم توسط اتباع آن دولت یا مقمین دایمی آن ارتکاب یافته باشد.»

نتیجه اینکه زمانی که جرایم تروریستی در خارج از قلمرو حاکمیت ایران ارتکاب یافته باشد و مجرم ایرانی باشد، قانون ایران با توجه به مواد ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی و قوانین هواپیمایی حاکم خواهد بود و شخص مجرم در ایران و طبق قوانین ایران محاکمه خواهد شد. افزون بر این قوانین، قانون راجع به کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی من‌جمله دیپلمات‌ها، در قسمت ج بند ۱ ماده ۳ مقرر می‌دارد:

«هر یک از کشورهای طرف کنوانسیون اقدامات مقتضی برای اعمال صلاحیت خود در مورد جرایم مندرج در ماده ۲ در موارد زیر معمول خواهد داشت: الف) ... به هنگامی که مظنون به ارتکاب جرم تبعه آن کشور باشد.»

قسمت دوم اصل صلاحیت شخصی، صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه می‌باشد. حمایت از اتباع از وظایف هر دولت به شمار می‌رود^۱ که به طرق مختلف انجام می‌گیرد. گاهی این حمایت غیرکیفری است و صرفاً با اقدامات سیاسی و کنسولی تحقق می‌پذیرد و زمانی دیگر این حمایت شکل کیفری داشته و دولت‌ها رسیدگی به جرایمی که خارج از قلمرو حاکمیت آنها علیه اتباعشان به وقوع می‌پیوندد را برعهده می‌گیرند. اعمال این صلاحیت در جرایم تروریستی مورد قبول جامعه بین‌المللی قرار گرفته است. وقتی که عملیات تروریستی به وقوع می‌پیوندد و اتباع ایرانی قربانی آن واقع می‌شوند به نوعی حیثیت و اعتبار این کشور مورد تعرض قرار گرفته^۲ و در پاسخ به این عمل و حمایت از اتباع خویش شایسته است که دولت ایران صلاحیت رسیدگی به این جرم را داشته باشد. به نظر می‌رسد که اعمال اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه نوعی مداخله در حاکمیت دولتی است که جرم در قلمرو آن واقع شده است.^۳ در ارتکاب یک جرم اصلی‌ترین صلاحیت برای رسیدگی، صلاحیت سرزمینی است و دولتی که جرم در قلمرو آن ارتکاب یافته است صالح به رسیدگی می‌باشد و در مرحله بعد دولتی که مجرم تبعه آن می‌باشد صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی را دارد و کمتر صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه مورد توجه قانون‌گذاران قرار می‌گیرد. شاید بتوان گفت که این انتقاد و انتقادات دیگر در این زمینه موجب شده است که برخی از کشورهای مانند آمریکا و انگلستان در پذیرش این اصل تاحدی با مشکل مواجه شوند.

قوانین کیفری ایران چه قبل و چه بعد از انقلاب این اصل را مورد توجه قرار ندادند و فقط در برخی از قوانین متفرقه این اصل مورد قبول قانون‌گذار ایران قرار گرفت. این قوانین خاص با پیوستن ایران به معاهدات بین‌المللی در زمینه تروریسم مورد پذیرش قرار گرفته است، یعنی این اصل در قوانین ایران وجود ندارد و استثنائاً در برخی از جرایم تروریستی می‌تواند حاکم باشد، مشابه با وضعیت ایران، آمریکا نیز اعمال اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه را در جرایم تروریستی پذیرفت.

۱. حسینی‌نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین‌المللی، نشر میزان، ۱۳۷۲، ص. ۶۵.

۲. علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد سوم، انتشارات فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ص. ۱۵۰.

3. Geoff, Gilbert, Crimes Sans Frontiers: Jurisdictional Problems In English Law, The British Yearbook of International Law, 1992, p. 41.

بند ۲ ماده ۳۱ قانون هواپیمایی این اصل را پذیرفته است.^۱ در جرایم تروریستی به دلیل اهمیت ویژه این جرایم، در جایی که قانون‌گذار ایران نتواند صلاحیت سرزمینی و صلاحیت مبتنی بر تابعیت فعال را اعمال نماید، اگر مجنی‌علیه از اتباع این کشور باشد، محاکم ایران صلاحیت رسیدگی به این جرایم را دارا خواهند بود. علاوه بر قانون فوق‌الذکر قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو، راجع به جرایم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما در بند ب ماده ۴ خود این اصل را مورد توجه قرار داده است.^۲ علاوه بر موارد فوق، بند ج ماده ۳ قانون مربوط به کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی من جمله دیپلمات‌ها^۳ این اصل را پذیرفته است. چنانچه دیپلمات‌های ایران در خارج از کشور مورد تعرض، قتل، آدم‌ربایی و ... قرار گیرند، دولت ایران صلاحیت رسیدگی به این جرم تروریستی را خواهد داشت. کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به تروریسم، این اصل را به رسمیت شناختند و این امر نشانه این است که جامعه جهانی این اصل را مشروع دانسته و می‌تواند در جرایم مهم، اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه را اعمال نماید. علاوه بر کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به تروریسم که ایران به آنها ملحق شده است، برخی از موافقت‌نامه‌های بین ایران و دیگر کشورها نیز این اصل را پذیرفته‌اند که عمدتاً در مورد جرایم ارتكاب‌یافته بر روی کشتی‌ها می‌باشد.

در موافقت‌نامه کشتی‌رانی تجاری میان ایران و بلغارستان مصوب ۱۳۷۲، تأکید بر توسعه کشتی‌رانی تجاری شده است و در مورد صلاحیت کیفری برای جرایم ارتكابی بر روی عرشه کشتی مقررات کشور صاحب پرچم را حاکم دانسته‌اند و در بند ۲ ماده ۱۳ آن اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه را پذیرفته و مقرر کرده است:

«مقامات صلاحیت‌دار یکی از طرفین متعاهد نباید در امور کیفری مربوط به جرایمی که در عرشه کشتی تحت پرچم طرف متعاهد دیگر به هنگام توقف در بندر

۱. بند ۲ ماده ۳۱ مقرر می‌دارد: «به جنحه و جنایاتی که در داخل هواپیمای خارجی حین پرواز ارتكاب شود در صورت وجود یکی از شرایط ذیل محاکم ایران رسیدگی خواهد کرد: الف) ... ب) مجنی‌علیه تبعه ایران باشد.»

۲. بند ب ماده ۴ مقرر می‌دارد: «دولت متعاهدی که دولت ثبت‌کننده هواپیما نباشد، نمی‌تواند به منظور اعمال صلاحیت جزایی خود در مورد جرایم ارتكابی در داخل هواپیما در امر پرواز آن مداخله نماید، مگر در موارد مشروحه ذیل: ... ب: جرم علیه یکی از اتباع آن دولت یا مقیمین دائمی آن ارتكاب یافته باشد.»

۳. بند ج ماده ۳ مقرر می‌دارد: «هریک از کشورهای طرف کنوانسیون، اقدامات مقتضی برای اعمال صلاحیت خود را در مورد جرایم مندرج در ماده ۲ در موارد زیر معمول خواهد داشت: ... هنگامی که ارتكاب جرم، علیه شخص مورد حمایت بین‌المللی، که وضع خود را به اعتبار وظایف محول از طرف کشور مذکور تحصیل نموده است واقع گردد.»

روی می‌دهد اعمال صلاحیت کیفری نماید مگر در موارد ذیل: ... جرم توسط اتباع دولت پذیرنده یا علیه آنان صورت گرفته باشد.»

موافقتنامه کشتی‌رانی تجاری میان ایران و اوکراین مصوب ۱۳۷۴ نیز با تأکید بر توسعه کشتی‌رانی تجاری در مورد اعمال صلاحیت کیفری برای جرایم ارتكابی بر روی عرشه کشتی در بند ماده ۱۳ مقرر می‌دارد:

«مقامات صلاحیت‌دار هریک از دو طرف متعاقد نباید در امور کیفری مربوط به جرایمی که در عرشه کشتی تحت پرچم طرف دیگر به هنگام توقف در بندر روی می‌دهد، خود را واجد صلاحیت کیفری بدانند مگر در موارد زیر: ... هنگامی که جرم توسط اتباع کشور پذیرنده یا علیه ایشان ارتكاب یافته باشد.»

موافقت‌نامه‌های فوق اصل صلاحیت شخصی هم از نوع تابعیت فعال و هم منفعل را پذیرفتند. قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی این اصل را در ماده ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی کرده است. طبق این شش کنوانسیون که ایران به آنها ملحق گردیده است، اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه قابل اعمال خواهد و با پذیرش این اصل در قوانین ایران هرچند به کنوانسیون‌های دیگر ملحق نشدیم اما می‌توانیم قوانین ایران را برای رسیدگی و مجازات صالح بدانیم.

پذیرش این اصل نه با شرع مقدس اسلام در تعارض است و نه با قانون اساسی کشور ایران؛ لذا قانون‌گذار ایران اعمال صلاحیت قوانین ایران را در این مورد در تمامی زمینه‌ها پذیرفته است. دین اسلام دین جهانی است و مقررات آن برای همه مردم جهان وضع شده است و زمان و مکان خاصی را مدنظر قرار نمی‌دهد. مسلمان هر کجا که باشد در سرزمین کفر یا سرزمین اسلام، مسلمان است و خونش محترم و کشتن او حرام است و قاتلش کشته می‌شود و در این مورد تفاوتی نمی‌کند که در سرزمین خود باشد یا بیگانه، از روی اجبار و در حال اسارت وارد آن سرزمین شده باشد یا با حالت اختیار وارد شده باشد.^۱ اعمال این اصل در دادگاه‌های ایران در همه جرایم، موجب توسعه صلاحیت ایران می‌شود و این امر نه تنها منع شرعی ندارد بلکه مورد تأکید شرع هم می‌باشد.^۲ برای اعمال این اصل، همانند اصل صلاحیت سرزمینی باید شرایطی وجود داشته باشد که در صورت وجود تمامی آنها دولت ایران صالح برای رسیدگی به جرایم

۱. عوده، عبدالقادر، حقوق جنایی اسلام براساس مذاهب پنجگانه، ترجمه اکبر غفوری، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۳، ص. ۳۸۶.

۲. پوربافرانی، حسن، «اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، نامه مفید، شماره ۳۷، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۵.

تروریستی خواهد بود. از جمله شرط مجرمیت متقابل، همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، جرایم تروریستی هم توسط قطعنامه الزام‌آور شماره ۱۳۷۳ جرم‌انگاری شده و هم اسناد سیزده‌گانه بین‌المللی راجع به تروریسم آن‌را جرم دانسته‌اند. لذا در مورد جرایم تروریستی شرط مجرمیت متقابل مفروض تلقی می‌گردد.

این شرط زمانی اعمال می‌شود که جرم ارتكابی در قانون کشور متبوع مجرم با مجازات خفیف روبرو بوده و در قانون کشور متبوع مجنی‌علیه دارای مجازات سنگین باشد. اعمال این اصل زمانی به نفع دولت متبوع مجنی‌علیه است که جرایم از نوع شدید محسوب شود، زیرا رسیدگی و صرف هزینه و وقت نسبت به جرایم کم‌اهمیت علیه اتباع کشور نمی‌تواند چندان مطلوب باشد. قانون‌گذار ایران اجرای این اصل را در مورد جرایم تروریستی پذیرفته است، این جرایم در همه کشورها از اهمیت خاص برخوردار است و مرتکبان آن با مجازات شدید مواجه خواهند بود. قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشور در ماده ۳ مقرر می‌دارد: «هر یک از دول متعاقد، تعهد می‌نماید برای جرایم مذکور در ماده ۱ کیفرهای شدید مقرر دارد.»

جرایم تروریستی شرط مزبور برای اجرای این اصل را نیز دارا می‌باشند. لذا با توجه به قوانین متفرقه موجود می‌توان گفت که رویکرد مقنن ایران در مورد اصل صلاحیت شخصی بر این است که اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجرم طبق مواد ۶ و ۷ قانون مجازات اسلامی، به‌طور مطلق و اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه به صورت مشروط مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته است.

لایحه مبارزه با تروریسم اصل صلاحیت شخصی را به‌طور مطلق پذیرفته است.^۱ به جرایم تروریستی که مجرم یا مجنی‌علیه از اتباع ایران باشند در ایران و طبق قوانین کیفری این کشور رسیدگی خواهد شد. اگر مرتکبان در دادگاه‌های خارجی مورد محاکمه و مجازات واقع شوند، مجازات تحمل‌شده مورد توجه دادگاه‌های ایران قرار خواهد گرفت. ماده فوق نشان‌دهنده این است که ایران «اصل منع محاکمه مجدد» را نپذیرفته است. با پذیرش این اصل کشور ایران در صورت محاکمه مرتکبان در دادگاه‌های خارجی، حق محاکمه مجدد آنها را نخواهد داشت، اما با عدم پذیرش این

۱. ماده ۱۱ مقرر می‌دارد: «هر گاه قربانی یا متهم به ارتکاب جرایم تروریستی از اتباع جمهوری اسلامی ایران باشد، محاکم جمهوری اسلامی ایران دارای صلاحیت خواهند بود. در مواردی که مرتکب به موجب حکم دادگاه خارجی محکوم و مجازات شده باشد، مراجع رسیدگی داخلی مجازات تحمل‌شده از سوی مرتکب را لحاظ خواهند کرد.»

اصل محاکم ایران صلاحیت رسیدگی و محاکمه مجدد را خواهند داشت؛ اما نوع و میزان مجازات تحمل شده از سوی مجرم باید مورد توجه قرار گیرد.

۳. اصل صلاحیت واقعی

صلاحیت دادگاه‌های یک دولت برای رسیدگی به جرایمی که منافع اساسی و حیاتی آن دولت را در بیرون از مرزهای سیاسی آن به مخاطره می‌اندازد، صلاحیت واقعی نامیده می‌شود. اجرای این اصل زمانی اتفاق می‌افتد که جرم در سرزمین بیگانه و توسط مجرم یا علیه مجنی‌علیهی غیر از اتباع کشور رخ می‌دهد و جایی برای اجرای اصل سرزمینی یا اصل صلاحیت شخصی وجود ندارد و جرم ارتكابی به امنیت و منافع اساسی کشور لطمه وارد می‌نماید.

عده‌ای مبنای این صلاحیت را دفاع مشروع ذکر کرده‌اند. از آنجا که جرایم تروریستی که در خارج از سرزمین کشوری ارتکاب می‌یابد، ممکن است آثاری برای کشور داشته باشد و کشور در معرض خطر قرار گیرد، حق طبیعی کشور است که از خود دفاع نماید.^۱ به نظر می‌رسد که اتکا بر این مبنا برای اعمال صلاحیت واقعی در قبال جرایم تروریستی چندان موجه نباشد. زیرا اعمال صلاحیت واقعی بعد از ارتکاب جرم تحقق خواهد پذیرفت ولی دفاع مشروع در حین ارتکاب جرم مورد پذیرش جامعه جهانی خواهد بود و اقدامات بعد از ارتکاب جرم دفاع مشروع محسوب نخواهد شد.

مبنای دیگری که برای اعمال این اصل بیان کرده‌اند این است که ارتکاب جرایم تروریستی و جرایمی که علیه منافع اساسی کشور در خارج واقع می‌شوند و اخلاف شدید در نظم عمومی کشور به وجود می‌آورند، مانند آن است که این جرم در خاک کشور واقع شده است.^۲ بند الف ماده ۳۱ قانون هواپیمایی کشور بر همین مبنا در صورتی که جرمی که در هواپیمای خارجی در حین پرواز ارتکاب می‌یابد را در صورت وجود اختلال در امنیت عمومی کشور در صلاحیت محاکم ایران می‌داند.

برای این که کشور ایران بتواند صلاحیت واقعی را در مورد جرایم تروریستی اعمال نماید، لزوماً باید این جرایم در خارج از قلمرو حاکمیت ایران واقع شود؛ زیرا اگر این جرایم در داخل قلمرو حاکمیت ایران واقع شوند قوانین ایران طبق اصل صلاحیت سرزمینی مجری خواهد بود و نوبت به اعمال اصل صلاحیت واقعی نخواهد رسید. اصل

۱. حسینی‌نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین‌المللی، نشر میزان، ۱۳۷۲، ص. ۵۸.

۲. به نقل از: پورباقرانی، حسن، «اصل صلاحیت واقعی در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۰، ۱۳۸۲، ص. ۶۳.

بر این است که جرایمی که در خارج از قلمرو حاکمیت کشور رخ می‌دهد، در صلاحیت این کشور نیست. اما بر این اصل استثنایی وارد شده و آن این است که اگر جرایم علیه منافع اساسی و حیاتی کشور ارتکاب یابند، هرچند که محل ارتکاب جرم در کشور بیگانه باشد و جرم توسط یا علیه غیراتباع ارتکاب یابد، محاکم کیفری ایران صالح خواهد بود.

ماده ۵ قانون مجازات اسلامی نیز به شرایط فوق اشاره دارد. نتیجه اینکه جرایم تروریستی که در خارج از کشور ارتکاب می‌یابد، به دلیل اینکه از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی ایران محسوب می‌گردد، رسیدگی به آن در محاکم و طبق قوانین ایران امکان‌پذیر است. صرف‌نظر از جرایم تروریستی که خطر آن برای امنیت داخلی و خارجی کشور به اثبات رسیده است، دایره شمول جرایم امنیتی با توجه به ملاحظات امنیتی و مصالح سیاسی کشورها متغیر است و ممکن است برخی از دولت‌ها جرایم امنیتی را موسع تفسیر نمایند و بسیاری از جرایمی که در خارج از قلمرو حاکمیتی آن دولت اتفاق می‌افتد را جرایم امنیتی تلقی نموده و طبق اصل صلاحیت واقعی، قوانین کیفری خویش را حاکم بدانند.

برای اینکه یک دولت بتواند اصل صلاحیت واقعی خویش را اعمال نماید آیا مجرم باید در آن کشور حضور داشته باشد یا بدون حضور مجرم با محاکمه غیابی می‌توان این اصل را اعمال نمود؟ عده‌ای محاکمه غیابی و صدور حکم مقتضی را در مورد جرایم علیه امنیت و اعمال صلاحیت واقعی را جایز می‌دانند و طبق نظر این عده، در جرایم تروریستی در خارج از قلمرو حاکمیت ایران، در عمل اگر مجرم به ایران مسترد نشود، قوانین ایران طبق اصل صلاحیت واقعی حاکم خواهد بود. اما این اصل زمانی قابلیت اعمال دارد که لزوماً مجرم در کشور حضور داشته باشد زیرا عدم حضور مجرم و محاکمه غیابی وی جز اینکه عدم توانایی در اجرای عدالت را نشان دهد، اثری دیگر نخواهد داشت.

اصل صلاحیت واقعی در مورد بیگانگانی اعمال می‌شود که با ارتکاب جرایم مهم و برهم زدن امنیت کشور لطماتی بر نظم عمومی وارد آورده‌اند^۱، و اگر مجرم از اتباع آن کشور باشد، دیگر جایی برای اعمال این اصل باقی نخواهد ماند و اصل صلاحیت شخصی اعمال می‌شود. ولی قانون‌گذار ایران طبق ماده ۵ قانون مجازات اسلامی با

1. Browntie, Lan, Principles of Public International Law, 4th ed., Ooxford University Press, 1990, p. 304.

عبارت «هر شخص ایرانی یا ...» اصل صلاحیت واقعی و نه صلاحیت شخصی را قابل اعمال می‌داند.

علاوه بر ماده ۵ قانون مجازات اسلامی، قانون‌گذار ایران در برخی از قوانین متفرقه این اصل را قابل اعمال می‌داند. بند الف ماده ۳۱ قانون هواپیمایی کشوری برای رسیدگی به جنحه و جنایاتی که داخل هواپیمای خارجی حین پرواز ارتکاب یابد، در صورتی که جرم محل انتظامات یا امنیت عمومی ایران باشد، قوانین ایران را صالح می‌داند. طبق این ماده در صورت وقوع جرایم تروریستی که محل امنیت ایران است محاکم ایران صلاحیت رسیدگی به این جرایم را دارا هستند و بر طبق قوانین ایران می‌توان مجرمین را به مجازات رساند؛ اعم از اینکه مجرم و مجنی علیه از اتباع ایران باشند یا خیر.

ماده فوق رسیدگی غیابی را جایز ندانسته، ولی ماده ۵ قانون مجازات اسلامی رسیدگی غیابی را جایز اعلام نموده است. همچنین ماده ۴ قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو، در بند ج، غیر از دولت ثبت‌کننده هواپیما، دولت دیگری را برای رسیدگی کیفری صالح نمی‌داند، مگر اینکه ارتکاب جرم امنیت آن دولت را به مخاطره بیندازد. لذا در مورد جرایم تروریستی می‌توان گفت که چون امنیت کشور در مخاطره قرار می‌گیرد، قانون‌گذار ایران طبق اصل صلاحیت واقعی و با توجه به ماده ۵ قانون مجازات اسلامی، قانون هواپیمایی کشوری و قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو، حق اجرای قوانین کیفری خود را خواهد داشت. لایحه قانون مبارزه با تروریسم، اصل صلاحیت واقعی ایران در جرایم تروریستی که در خارج از قلمرو ایران و علیه دولت ایران ارتکاب می‌یابد را پذیرفته است و تعرض به سازمان‌های بین‌المللی مستقر در ایران را در حکم تعرض به ایران دانسته و مشمول اصل صلاحیت واقعی قرار داده است.^۱

۴. اصل صلاحیت جهانی

صلاحیت جهانی عبارت است از اینکه محاکم کیفری همه دولت‌ها باید صلاحیت رسیدگی به جرمی را داشته باشند که فرد نامعین در کشور نامعین مرتکب شده است.^۲ تروریسم از جرایمی است که اسناد بین‌المللی آن را مشمول اصل صلاحیت

۱. ماده ۱۳ مقرر می‌دارد: «هرگاه عمل تروریستی در خارج از کشور و علیه دولت جمهوری اسلامی ایران یا سازمان‌های بین‌المللی مستقر در خاک ایران ارتکاب یافته باشد اعمال صلاحیت با دادگاه‌های کیفری استان تهران خواهد بود.»

۲. حسینی‌نژاد، حسینقلی، پیشین، ص. ۷۶.

جهانی دانسته‌اند؛^۱ این اصل به دو دسته «اصل صلاحیت جهانی عام» و «اصل صلاحیت جهانی محدود» تقسیم می‌شود. در نوع اول این اصل نسبت به تمام جرایم خطرناک که در بیشتر کشورها دارای مجازات نسبتاً شدیدی است اعمال می‌شود و در نوع دوم صرفاً برای جرایم بین‌المللی یا جرایمی که در مورد آنها عهدنامه‌ها و قوانین خاص وجود دارد، اعمال می‌شود و جرایم عادی هر چند خطرناک باشند، مشمول آن نخواهند بود. به نظر می‌رسد که ماده ۹ قانون مجازات اسلامی از رویکرد دوم تبعیت کرده است. این ماده مقرر می‌دارد:

«مرتکب جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشور یافت شود، در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد.»

اصل صلاحیت جهانی برای جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مجرمانی که اعمال مجرمانه آن در سطح جامعه جهانی تأثیر داشته است، اعمال می‌شود. با توسل به این صلاحیت می‌توان گفت که جای امنی برای مجرمان وجود نخواهد داشت و متهمان در هر کشوری که دستگیر شده باشند، محاکمه می‌گردند. این نگرش «اصل صلاحیت جهانی گروهی یا نیابتی» نامیده می‌شود.^۲ این اصل در مورد کنوانسیون‌هایی که بر مبنای قاعده «استرداد یا محاکمه» بنا نهاده شده‌اند، اعمال می‌شود. لذا صلاحیت جهانی ماده ۸ فوق که بحث از دستگیری متهمان بیان آمده است، مورد نظر مطالب فوق می‌باشد. در اغلب کنوانسیون‌های مبارزه با تروریسم، قاعده استرداد یا محاکمه، مورد توجه تدوین‌کنندگان قرار گرفته است؛ قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری در ماده ۳ مقرر می‌دارد:

«علاوه بر مفاد بند ۲ این ماده در موارد پیش‌بینی‌شده در بندهای فرعی الف، ب، ج، و، ه بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون حاضر در صورت پیدا شدن مرتکب یا مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین دولتی غیر دولت ثبت‌کننده هواپیما نیز مجری خواهد بود.»

علاوه بر این، قانون هواپیمایی کشور در ماده ۳۱ بند ج مقرر می‌دارد که در مورد جنحه و جنایاتی که داخل هواپیمای خارجی در حین پرواز ارتکاب می‌یابد، در صورتی که هواپیما بعد از وقوع جرم در ایران فرود آید، محاکم ایران صالح به رسیدگی هستند. همچنین قانون الحاق ایران به کنوانسیون لاهه در قسمت «ب» بند ۱ ماده ۴ صلاحیت

1. Bassiouni, Cherif, the History of Universal Jurisdiction and Its Place in International Crimes under International Law, University of Pennsylvania Press, 2004, p. 46.
2. Ibid. p. 42.

جهانی ایران در قبال جرایم تروریستی را پذیرفته و مقرر داشته است که در موارد ذیل دول متعاقد اعمال صلاحیت کنند:

«اگر هواپیمایی که جرم در آن واقع شده، در قلمرو آن دولت فرود آید و مظنون به ارتکاب هنوز در هواپیما باشد.»

همچنین در بند ۲ ماده ۴ قانون فوق الذکر با تأکید بر این اصل مقرر کرده است:

«در موردی هم که مظنون به ارتکاب جرم در قلمرو یکی از دول متعاقد یافت شود و این دولت طبق ماده (۸) او را به هیچ یک از دول موضوع بند (۱) این ماده مسترد ندارد، برای احراز صلاحیت خود و رسیدگی به جرم اقدام لازم معمول خواهد نمود.»

قانون مربوط به کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی من جمله دیپلمات‌ها مصوب ۱۳۵۷، در بند ۲ ماده ۳ نیز صلاحیت جهانی ایران برای رسیدگی به جرایم مزبور را پذیرفت و مقرر داشت:

هریک از کشورهای طرف کنوانسیون در مواردی که مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین آن کشور به سر می‌برد و طبق ماده (۸) به هیچ یک از کشورهای مندرج در بند (۱) این ماده مسترد نمی‌گردد، اقدامات مقتضی برای اعمال صلاحیت خود در مورد آن جرایم معمول خواهد نمود.»

مقنن ایران صلاحیت جهانی گروهی را در قبال جرایم تروریستی پذیرفته است. در برابر نگرشی که ایران در مورد صلاحیت جهانی پذیرفته است، یک نوع صلاحیت جهانی وجود دارد که هر کشور می‌تواند یک‌جانبه و حتی در غیاب مرتکب به تحقیق و رسیدگی اقدام نماید. به این نگرش اصل صلاحیت جهانی یک‌جانبه نیز می‌گویند که قوانین کیفری ایران از آن تبعیت ننموده است.

از آنجا که اعمال اصل صلاحیت جهانی تکمیل‌کننده بقیه اصولی است که هنوز اجرا نشده‌اند؛ در صورتی محاکم داخلی این اصل را اعمال می‌نمایند که متهم قبلاً در دادگاه‌های خارجی محاکمه نشده باشد^۱ و در صورت محاکمه متهم در یکی از دادگاه‌های خارجی، دادگاه‌های ملی باید از محاکمه متهم امتناع نمایند. این شرط به قاعده منع محاکمه مجدد معروف است و برخی از کشورها آن را پذیرفته و برخی دیگر از پذیرش آن امتناع نموده‌اند. اما در واقع محاکم داخلی باید اعمال صلاحیت جهانی

۱. خالقی، علی، «محاکمه صدام و مسأله صلاحیت دادگاه از منظر حقوق داخلی و بین‌المللی»، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴، ۱۳۸۲، ص. ۴۳۲.

توسط دادگاه‌های صلاحیت‌دار خارجی را به رسمیت بشناسند و نباید بعد از محاکمه متهم در یک کشور خارجی، محاکم ملی دوباره وی را محاکمه نمایند.^۱

کشور ایران، طبق ماده ۹ قانون مجازات اسلامی اصل صلاحیت جهانی را پذیرفته است. ماده ۹ اشاره به قوانین خاص و عهد بین‌المللی کرده است. با وجود این، قانون هواپیمایی کشوری، قانون الحاق ایران به کنوانسیون لاهه و قانون مربوط به کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی که جزء قوانین خاص و عهد بین‌المللی می‌باشند، محاکم ایران را صالح به رسیدگی می‌دانند.

ماده ۱۰ لایحه قانون مبارزه با تروریسم^۲ با نگارشی مشابه ماده ۹ فوق، اصل صلاحیت جهانی ایران در قبال جرایم تروریستی را پذیرفته و آن را مشروط به حضور متهم در ایران کرده بود. با توجه به تمام موارد فوق‌الذکر و اصول صلاحیت سرزمینی، شخصی و جهانی، دولت ایران صلاحیت رسیدگی به جرایم تروریستی را خواهد داشت. در این جرایم با توجه به ماهیت خاص و تأثیرات بسیار مخرب آن و لطماتی که به امنیت کشورها وارد می‌آورد، دولت‌ها سعی در گسترش صلاحیت خود دارند تا مجرمان مزبور، محل امن نداشته باشند و به مجازات برسند.

در اعمال صلاحیت‌های فوق برای محاکمه و مجازات تروریست‌ها، قواعد ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد صلاحیت محلی باید مورد توجه قرار بگیرد. اما در مورد صلاحیت ذاتی لایحه مبارزه با تروریسم رسیدگی به جرایم تروریستی را در صلاحیت دادگاه‌های کیفری استان قرار داده است.^۳ اما این لایحه هنوز به صورت قانون در نیامده است.

1. Lain, Cameron, The Protective Principle of International Criminal Jurisdiction, Dartmouth Publishing Company, 1994, p. 85.

۲. ماده ۱۰ مقرر می‌دارد: «در مواردی که به موجب قانون خاص، معاهدات یا عرف بین‌المللی لازم‌الاتباع برای جمهوری اسلامی ایران رسیدگی به جرم تروریستی در صلاحیت هریک از دولت‌ها باشد و متهم در ایران یافت شود، محاکم ایران وفق مقررات این قانون اعمال صلاحیت خواهند کرد.»

۳. ماده ۸ مقرر می‌دارد: «رسیدگی به جرایم تروریستی در صلاحیت دادگاه‌های کیفری استان می‌باشد و مرجع تجدیدنظر از احکام صادره، دیوان عالی کشور است.»

نتیجه‌گیری

تروریسم موجب شده است که کشورهای بسیاری در حفظ امنیت دچار چالش گردند. اعمال صلاحیت‌های مصرح در قانون مجازات اسلامی در قبال جرایم تروریستی کافی نخواهد بود و چه بسا مرتکبان جرایم مزبور به دلیل نقص قوانین داخلی از چنگال عدالت کیفری بگریزند. ایران با اعمال صلاحیت‌های مصرح در قانون مجازات اسلامی مجرمان مزبور را محاکمه می‌نماید. این روش در عموم جرایم مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما در مورد جرایم تروریستی قانون‌گذار ایران در قانون هواپیمایی کشوری، قانون مناطق دریایی، در چند موافقت‌نامه بین‌المللی و در اسناد بین‌المللی مرتبط با تروریسم، اصل صلاحیت شخصی مبتنی بر تابعیت منفعل را پذیرفته و گامی مهم در جهت تحقق عدالت کیفری برداشته است. اما با پذیرش اصل صلاحیت جهانی محدود فقط حق رسیدگی به آن دسته از جرایم تروریستی را دارد که به کنوانسیون مربوط به آنها ملحق شده است. لذا اگر متهمان به ارتکاب تأمین مالی تروریسم و یا تروریسم هسته‌ای و نظایر اینها در ایران یافت شوند، این کشور حق محاکمه آنها را نخواهد داشت و این امر از نقایص قوانین مربوط به صلاحیت کیفری در ایران است. در صورتی که برخی از کشورها با اعمال اصل صلاحیت جهانی موسع به تعمیق صلاحیت کیفری خود در این زمینه پرداخته‌اند و در ریشه‌کنی این جرم تلاش بیشتری دارند.

منابع

- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
- پوربافرانی، حسن، «اصل صلاحیت واقعی در حقوق جزای بین‌الملل و ایران»، مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۰، ۱۳۸۲.
- _____، اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه در حقوق جزای بین‌الملل و ایران، نامه مفید، شماره ۳۷، ۱۳۸۲.
- _____، صلاحیت اعمال قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت در حقوق ایران، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
- جاویدزاده، علی‌اوسط، صلاحیت دادگاه کیفری در حقوق جزای بین‌المللی (بررسی تطبیقی در حقوق جزای ایران و فرانسه)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۶.
- حسینی‌نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین‌المللی، نشر میزان، ۱۳۷۲.
- خالقی، علی، «محاكمه صدام و مسأله صلاحیت دادگاه از منظر حقوق داخلی و بین‌المللی»، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴، ۱۳۸۲.
- علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد سوم، انتشارات فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- عوده، عبدالقادر، حقوق جنایی اسلام براساس مذاهب پنجگانه، ترجمه اکبر غفوری، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۳.
- محسنی، مرتضی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵.
- میرمحمدصادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل، مجموعه مقالات، نشر میزان، ۱۳۷۷.
- والاس، ربه‌کا، حقوق بین‌الملل، ترجمه محمد شریف، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
- Bassiouni, Cherif, International Extradition and World Public Order, Sijthoff-Ocean, 1974.
- Bassiouni, Cherif, the History of Universal Jurisdiction and Its Place in International Crimes under International Law, University of Pennsylvania Press, 2004.
- Browntie, Lan, Principles of Public International Law, 4th ed., Oxford University Press, 1990.
- Geoff, Gilbert, Crimes Sans Frontiers: Jurisdictional Problems In English Law, The British Yearbook of International Law, 1992.
- Lain, Cameron, The Protective Principle of International Criminal Jurisdiction, Dartmouth Publishing Company, 1994.